



# بلاغت کاربردی (۱)

درس ۳۰

باب پنجم: «قصر»

استاد: سرکار خانم فرخی  
آموزشیار: حسن شم‌آبادی

## مقدمه

در درس‌های گذشته حالت مختلف مسند و احکام آنها و انگیزه های هر یک از حالت ها را بررسی کردیم و موقعیت‌های شایسته هر یک از این حالت‌ها را بیان نمودیم.

در این درس و چند درس آینده به بحث مهم «قصر» می‌پردازیم. «قصر» در محاورات مردم کاربرد فراوانی دارد و فواید زیادی بر آن مترقب می‌شود. در این درس قصر را تعریف خواهیم نمود و دو نمونه از راه های آن را بیان خواهیم کرد و بیان راه‌های دیگر قصر و انگیزه‌های استفاده از قصر را به درس‌های آینده موکول خواهیم نمود.

## باب پنجم: «قصر»

### فصل اول: «تعریف قصر و راه‌های آن»

### فصل دوم: «انواع قصر»

### فصل سوم: «انگیزه‌های قصر»

#### مقدمات بحث

قصر از انواع ایجاز است و نزدیک به مجاز می‌باشد؛ به دلیل این که در بعضی از انواع آن عنایت (توجه و اهمیت) و علاقه و رابطه وجود دارد.

نیاز فرد بلیغ به «قصر» زیاد، و شناخت مقصود از «قصر» کم است. در بیشتر کلام‌ها «قصر» به کار می‌رود؛ زیرا در محاورات مردم، موقعیت «قصر» زیاد است.

همانا «قصر» واقع می‌شود: بین مبتدا و خبر، بین فعل و فاعل، بین حال و ذوالحال، بین معمول و عامل غیر از مفعول معه.

موارد «قصر» زیاد و فایده‌های آن فراوان است؛ زیرا «قصر» برای جلوگیری از شک، بر طرف کردن تردید، برای مشخص نمودن مقصود و توضیح دادن تعریف می‌آید. و در موقعیت تقریر، تاکید، مبالغه و تهدید زیاد می‌آید. و در غیر این موارد نیز فایده‌های دیگری را می‌رساند.

پس فرد بلیغ نیاز دارد راه‌های «قصر» و انواع «قصر» را بشناسد احکام آن‌ها و تفاوت موارد آن‌ها را در نظر بگیرد به خاطر این که اکثر حالت‌ها در مطابقت کلام با مقتضای حال از «قصر» بی‌نیاز نمی‌شوند. به خاطر همین مطالب از قصر در این باب جداگانه بحث کرده‌اند، گرچه در بعضی از باب‌ها مثل باب «تقیید و اطلاق» یا باب «ایجاز و اطناب» هم مطرح شده است.

این باب شامل چند فصل است:

فصل اول: «تعریف قصر و راه‌های آن»

فصل دوم: «انواع قصر»

فصل سوم: «انگیزه‌های قصر».

## فصل اول: «تعریف قصر و راه‌های آن»

### هدف این فصل:

بعد از بررسی این فصل، می‌توانید به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱. «قصر» چیست؟ دو طرف آن کدام است؟ و راه‌های معروف برای قصر چیست؟
  ۲. راهی که برای «قصر» وضع شده چیست؟ و راه عقلی به سوی قصر کدام است؟
  ۳. احکام راه‌های معروف قصر چیست؟
- در آیات زیر تامل کرده و تلاش کنید منحصر شدن چیزی در چیز دیگر را بفهمید.
- پس در معانی آیات و راه‌های فهماندن حصر در آیات فکر کنید، و «محصور» و «محصوریه» را مشخص کنید.

۱. «إِنْ أُجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ»<sup>۱</sup>

۲. «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ»<sup>۲</sup>

۳. «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ»<sup>۳</sup>

۴. «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ»<sup>۴</sup>

۵. «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ»<sup>۵</sup>

SCO۱:۸:۳۵

## تعریف قصر راه‌ها و احکام آن

### تعریف قصر

«قصر» در اصطلاح علمای معانی و بیان یعنی اختصاص دادن و منحصر کردن چیزی به چیز دیگر . برای قصر راه‌های مخصوصی وجود دارد و اولی را «مقصور» و دومی را «مقصور علیه» می‌گویند.

### راه‌های «قصر» و احکام آن‌ها:

راه‌های قصر زیاد است تا آن‌جا که صاحب «الاتقان» چهارده راه برای قصر بیان نموده است؛ اما راه‌های معروف آن چهار تاست.

---

<sup>۱</sup> شعرا، ۱۰۹.

<sup>۲</sup> فاطر، ۲۸.

<sup>۳</sup> احزاب، ۴۰.

<sup>۴</sup> آل عمران، ۱۵۹.

<sup>۵</sup> انبیاء، ۸۷.

## راه اول قصر: نفی و استثناء

مثل: «وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ»<sup>۱</sup> و «إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ»<sup>۲</sup>.

### احکام قصر به سبب نفی و استثناء

۱. «مقصود عیله» همان چیزی است که بعد از ادات استثناء ذکر شده است.
۲. «نفی» با «لا» عاطفه جمع نمی‌شود پس گفته نمی‌شود: «ما جاءني إِلَّا زيد لا عمر» به خاطر این که در منفی به «لا» شرط است که منفی قبل از «لا»، به غیر از «لا» منفی نشده باشد. البته این مطلب (عدم اجتماع نفی با «لا» عاطفه) در کلام بلیغ است؛ اما گاهی در کلام نویسنده‌ها واقع می‌شود.
۳. «غیر» مانند «إِلَّا» است در این که قصر را می‌فهماند و با «لا» عاطفه جمع نمی‌شود.
۴. «نفی و استثناء» در مواردی به کار می‌رود که مخاطب حکم را نمی‌داند و منکر آن است یا حقیقتاً؛ مثل «إِلَّا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»<sup>۳</sup> یا فرضاً؛ مثل «مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا»؛<sup>۴</sup> زیرا مخاطبین که رسولان (ع) هستند، منکر بشر بودن خودشان نبودند ولی کفار به خاطر این که از یک سو معتقد بودند بشر نمی‌تواند فرستاده‌ی از سوی خدا باشد و از سوی دیگر اصرار رسولان را می‌دیدند، رسولان را به منزله‌ی منکر بشر بودن خودشان فرض کردند پس با این خطاب، گفتند: «مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا»<sup>۵</sup>.

قصر با نفی و استثناء

قصر با إِنَّمَا

دو نمونه از راههای قصر

الف) مقصود علیه چیزی است که بعد از ادات استثناء ذکر شده است

ب) در کلام بلیغ نفی با «لا» عاطفه جمع نمی‌شود

ج) «غیر» نیز مانند «إِلَّا» قصر را می‌فهماند و با «لا» عاطفه جمع نمی‌شود

د) این نوع قصر در مواردی به کار می‌رود که مخاطب حکم را حقیقتاً یا فرضاً نمی‌داند.

احکام قصر با نفی و استثناء

SCO۲ : ۱۴: ۴۶

<sup>۱</sup> عنکبوت، ۴۹.

<sup>۲</sup> شعرا، ۱۰۹.

<sup>۳</sup> واقعه، ۷۹.

<sup>۴</sup> یس، ۱۵.

<sup>۵</sup> یس، ۱۵.

## راه دوم قصر: «انما»

شیخ طوسی (ره) در «الیتیان» گفته است: کلمه «انما» اثبات چیزی و نفی غیر آن را می‌کند. سپس گفت «این مطلب را زجاج، فراء، رمانی، طبری، و اکثر اهل تاویل گفته‌اند».

مثل: «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ»<sup>۱</sup>.

و «إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ»<sup>۲</sup>

## احکام قصر به سبب «انما»

۱. «مقصور علیه» چیزی است که بعد از «انما» ذکر شده است و واجب است در جمله به صورت متاخر بیاید به خاطر این که «مقصور علیه» با غیر آن اشتباه نشود.

انما در مواردی به کار می‌رود که شان آن این است (شایسته است) مخاطب به آن جاهل نباشد و آن را انکار نکند

یا حقیقتاً؛ مثل «إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ»<sup>۳</sup>؛

یا ادعاء؛ مانند آیه ای که در آن خدای متعال سخن منافقین را حکایت و بیان می‌کند که می‌گویند «إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ»<sup>۴</sup>؛ زیرا منافقین ادعا کرده اند که مصلح بودنشان، از ظاهرشان پیداست و شایسته است مخاطب به آن جاهل نباشد و آن را انکار نکند. و به خاطر این ادعا آمده است که: «أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ»<sup>۵</sup>؛ زیرا جواب به منافقین است و با چند تاکید، این ادعا رد شده است.

۲. خطیب قزوینی گفته است: بهترین دلیل آمدن «انما» تعریض و کنایه زدن است؛ مثل «إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ»<sup>۶</sup>. این آیه کنایه زدن به کفار است به این که آنان از شدت نادانی مانند چهارپایان هستند لذا نمی‌توانند پند بگیرند؛ بنابر این از آن‌ها روی گردانده است مانند روی گرداندن از حیوانات.

«انما» برای «قصر» وضع شده است و ظهورش در قصر انکار نمی‌شود، و دلیل این وضع تبادر عرفی است. «انما» متضمن معنای «ما» و «ال» است، و بنابر آن چه خطیب در «التخلیص» گفته است اموری بر این مطلب دلالت می‌کنند از جمله این که: الف) مفسرین آیهی «إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ»<sup>۷</sup> را در صورتی که «المیته» منصوب باشد، این گونه معنا کرده‌اند «مَاحَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ»<sup>۸</sup>.

۱ فاطر، ۲۸.

۲ نسا، ۱۷.

۳ انعام، ۳۶.

۴ بقره، ۱۱.

۵ بقره، ۱۲.

۶ زمر، ۹.

۷ بقره، ۱۷۳.

۸ بقره، ۱۷۳.

ب) نحوی‌ها گفته‌اند: «انما» برای اثبات ما بعد خود و نفی غیر آن است.

- احکام قصر به سبب انما
- الف) مقصور علیه چیزی است که بعد از انما ذکر شده است و واجب است متاخر بیاید  
ب) انما در مواردی به کار می‌رود که شأن آن این است که مخاطب نسبت به آن حقیقتاً یا ادعاً جاهل نباشد  
ج) بهترین دلیل آمدن انما تعریض و کنایه زدن است  
د) انما برای قصر وضع شده و دلیل وضع، تبادر عرفی است  
ه) انما متضمن معنای «ما» و «ألا» است.

Scor: ۲۳:۳۲

## چکیده

۱. «قصر» اختصاص دادن و منحصر کردن چیزی به چیز دیگر است که اولی را مقصود و دومی را مقصور علیه می‌نامند.

۲. قصر از انواع ایجاز است و به دلیل این که در بعضی از انواع آن عنایت و علاقه وجود دارد نزدیک مجاز می‌باشد.

۳. قصر بین مبتدا و خبر، حال و ذوالحال، معمول و عامل آن غیر از مفعول معه واقع می‌شود.

۴. برای قصر چهارده راه ذکر کرده اند که چهار تا از آن ها معروف هستند و دو راه که در این درس بیان شده عبارتند از: اول) نفی و استثناء؛ دوم) انما.

۵. احکام قصر با نفی و استثناء: الف) مقصور علیه چیزی است که بعد از ادات استثناء ذکر شده است؛ ب) در کلام بلیغ نفی با «لا» عاطفه جمع نمی‌شود؛ ج) «غیر» نیز مانند «الّا» قصر را می‌فهماند و با «لا» عاطفه جمع نمی‌شود؛ د) این نوع قصر در مواردی به کار می‌رود که مخاطب حکم را حقیقتاً یا فرضاً نمی‌داند.

۶. احکام قصر با «انما»: الف) مقصور علیه چیزی است که بعد از انما ذکر شده است و واجب است متاخر بیاید؛ ب) انما در مواردی به کار می‌رود که شأن آن این است که مخاطب نسبت به آن حقیقتاً یا ادعاً جاهل نباشد؛ ج) بهترین دلیل آمدن انما تعریض و کنایه زدن است؛ د) انما برای قصر وضع شده و دلیل وضع، تبادل عرفی است؛ ه) انما متضمن معنای «ما» و «الّا» است.